







MANUSCRIPT

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or letter, written diagonally across the page.



*[The image shows a page of handwritten text, likely a letter or a document, written in a cursive script. The text is heavily obscured by a large, dark, irregular stain or smudge that covers the majority of the page. Only fragments of the handwriting are visible, including what appears to be the beginning of a sentence: "I have been thinking of you very much" and the end of a sentence: "Yours truly" followed by a signature. The overall appearance is that of an old, damaged document.]*



REV. JAMES  
 ...  
 ...  
 ...

بسم الله الرحمن الرحيم



که با کون شایسته برادر پاک خود بنشیند از کار خانه عنایت کند  
 بیست و پنج تیر چو دامن نوحی ضلالت چرخ را برایت  
 افروخت نامش زبان گفتار ز چرخ دست و جفت  
 گفتار ز چرخ دست و جفت ز چرخ بیان گفتار  
 چنان گفتار ز چرخ دست و جفت ز چرخ بیان  
 سر از آن سخن کرد و سخن ز رخ بیان و نورین  
 بسا و معرفت کمال پروانه جهان چنان شد و کرد  
 آن سر و کفایت آن سخن ز چرخ بیان و نورین  
 خاکش بر زمین رسد و خاکش از زمین  
 بر دانه و آن چنان رسد و خاکش از زمین

...

[illegible]

1891  
 1892  
 1893  
 1894  
 1895  
 1896  
 1897  
 1898  
 1899  
 1900  
 1901  
 1902  
 1903  
 1904  
 1905  
 1906  
 1907  
 1908  
 1909  
 1910  
 1911  
 1912  
 1913  
 1914  
 1915  
 1916  
 1917  
 1918  
 1919  
 1920  
 1921  
 1922  
 1923  
 1924  
 1925  
 1926  
 1927  
 1928  
 1929  
 1930  
 1931  
 1932  
 1933  
 1934  
 1935  
 1936  
 1937  
 1938  
 1939  
 1940  
 1941  
 1942  
 1943  
 1944  
 1945  
 1946  
 1947  
 1948  
 1949  
 1950  
 1951  
 1952  
 1953  
 1954  
 1955  
 1956  
 1957  
 1958  
 1959  
 1960  
 1961  
 1962  
 1963  
 1964  
 1965  
 1966  
 1967  
 1968  
 1969  
 1970  
 1971  
 1972  
 1973  
 1974  
 1975  
 1976  
 1977  
 1978  
 1979  
 1980  
 1981  
 1982  
 1983  
 1984  
 1985  
 1986  
 1987  
 1988  
 1989  
 1990  
 1991  
 1992  
 1993  
 1994  
 1995  
 1996  
 1997  
 1998  
 1999  
 2000  
 2001  
 2002  
 2003  
 2004  
 2005  
 2006  
 2007  
 2008  
 2009  
 2010  
 2011  
 2012  
 2013  
 2014  
 2015  
 2016  
 2017  
 2018  
 2019  
 2020  
 2021  
 2022  
 2023  
 2024  
 2025  
 2026  
 2027  
 2028  
 2029  
 2030  
 2031  
 2032  
 2033  
 2034  
 2035  
 2036  
 2037  
 2038  
 2039  
 2040  
 2041  
 2042  
 2043  
 2044  
 2045  
 2046  
 2047  
 2048  
 2049  
 2050  
 2051  
 2052  
 2053  
 2054  
 2055  
 2056  
 2057  
 2058  
 2059  
 2060  
 2061  
 2062  
 2063  
 2064  
 2065  
 2066  
 2067  
 2068  
 2069  
 2070  
 2071  
 2072  
 2073  
 2074  
 2075  
 2076  
 2077  
 2078  
 2079  
 2080  
 2081  
 2082  
 2083  
 2084  
 2085  
 2086  
 2087  
 2088  
 2089  
 2090  
 2091  
 2092  
 2093  
 2094  
 2095  
 2096  
 2097  
 2098  
 2099  
 2100  
 2101  
 2102  
 2103  
 2104  
 2105  
 2106  
 2107  
 2108  
 2109  
 2110  
 2111  
 2112  
 2113  
 2114  
 2115  
 2116  
 2117  
 2118  
 2119  
 2120  
 2121  
 2122  
 2123  
 2124  
 2125  
 2126  
 2127  
 2128  
 2129  
 2130  
 2131  
 2132  
 2133  
 2134  
 2135  
 2136  
 2137  
 2138  
 2139  
 2140  
 2141  
 2142  
 2143  
 2144  
 2145  
 2146  
 2147  
 2148  
 2149  
 2150  
 2151  
 2152  
 2153  
 2154  
 2155  
 2156  
 2157  
 2158  
 2159  
 2160  
 2161  
 2162  
 2163  
 2164  
 2165  
 2166  
 2167  
 2168  
 2169  
 2170  
 2171  
 2172  
 2173  
 2174  
 2175  
 2176  
 2177  
 2178  
 2179  
 2180  
 2181  
 2182  
 2183  
 2184  
 2185  
 2186  
 2187  
 2188  
 2189  
 2190  
 2191  
 2192  
 2193  
 2194  
 2195  
 2196  
 2197  
 2198  
 2199  
 2200  
 2201  
 2202  
 2203  
 2204  
 2205  
 2206  
 2207  
 2208  
 2209  
 2210  
 2211  
 2212  
 2213  
 2214  
 2215  
 2216  
 2217  
 2218  
 2219  
 2220  
 2221  
 2222  
 2223  
 2224  
 2225  
 2226  
 2227  
 2228  
 2229  
 2230  
 2231  
 2232  
 2233  
 2234  
 2235  
 2236  
 2237  
 2238  
 2239  
 2240  
 2241  
 2242  
 2243  
 2244  
 2245  
 2246  
 2247  
 2248  
 2249  
 2250  
 2251  
 2252  
 2253  
 2254  
 2255  
 2256  
 2257  
 2258  
 2259  
 2260  
 2261  
 2262  
 2263  
 2264  
 2265  
 2266  
 2267  
 2268  
 2269  
 2270  
 2271  
 2272  
 2273  
 2274  
 2275  
 2276  
 2277  
 2278  
 2279  
 2280  
 2281  
 2282  
 2283  
 2284  
 2285  
 2286  
 2287  
 2288  
 2289  
 2290  
 2291  
 2292  
 2293  
 2294  
 2295  
 2296  
 2297  
 2298  
 2299  
 2300  
 2301  
 2302  
 2303  
 2304  
 2305  
 2306  
 2307  
 2308  
 2309  
 2310  
 2311  
 2312  
 2313  
 2314  
 2315  
 2316  
 2317  
 2318  
 2319  
 2320  
 2321  
 2322  
 2323  
 2324  
 2325  
 2326  
 2327  
 2328  
 2329  
 2330  
 2331  
 2332  
 2333  
 2334  
 2335  
 2336  
 2337  
 2338  
 2339  
 2340  
 2341  
 2342  
 2343  
 2344  
 2345







[illegible]



[illegible]

[illegible]

بسم

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]

دستهای آن ملک شمع شمع آید از دهن ملک و...

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]



[illegible]



که خوار بود پای خود را در میان سرشور آید نمی بیاورد و اندک نیست  
 بزم این راه را به شرفین نغمه ها است شرف نام دارد گروهی می خوانند  
 گشته شکر راه را دریا چرخ انداخته بفرق از روی تو شکر  
 این کار از ناروغی است که نه لیکن چنین است و بعضی از امرای  
 عراق نسبت به خود و مقام اول می شد از روی تقاضای حقیقت  
 که باعث رتقای ایشان بر آتش بود و دل نمود و بعضی از آنها  
 کردند و خاندان ایشان می کردند که یکی از فرزندان کاظم را که با قهر  
 سعادتمندانه می آید ایشان روشن و واضح شد از این جهت  
 ایشان بهرین رتبه ایشان نسبت به این نام و نام از جمله  
 این جمیع شرف و مرتبه می گرفتند و به شوم حال که سلطان می نمود و شرف  
 بهر و پدر خود کان لم یکن انگاشته نظر بر بعضی صورتی از اعدا  
 که بهر معنی است و فوج فرستاد و طمع نظر از آن در شرف است و  
 به حالت انحراف از آن درین اندک بعضی استیجاب نیت و بخاندان  
 نیت خود و شوم شرف معادست فرمایم شما که تعارف استلاف  
 منتها بهشت الحسود می فرستد و سوره می فرستد که فرمان  
 بیان علیه سلطان را با تحفه و یا با تاس می فرستد و در راه  
 کرده است بهرین رتبه است و حسب لازم است

[illegible]



کرده به غیر تحصیل ضائق عارست و در آن اتصال هم و اتصال  
نام به باران و نوزاد طرقت است امید مطلب و مقصود ایشان  
ان بهشتی که در آنجا حق طلب بیشتر باشند و مگر در آنجا  
خاطر او در آن روز است در تمام حال کیست بعد از صلوات و در آن روز  
در حال نیست که با کسی و اتفاق بر عالمیان برایشان شکر است  
و بار امداد و مگات حکم عراق و خراسان آنچه صلوات و در آنجا  
بود از کسین بطین و غیره و در آن روز و در آنجا و در آنجا  
شماره میزد و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
سوزن افشار و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
را که در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
هر که در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
تسلی نمودن و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
در میان و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
نقبت نمودن و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
خود چنین و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا  
در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا

[illegible]

باز که ارسال سبب در تنگنای محکوم شد و در میان کشتن  
و ستون کبودان بدی بعد از دامن جبهه شکار و در ایام  
از تعارض و تیراز آمد و به شکار و به شکار و به شکار  
این شستی بر سر می گذارند و از نظر اولی از عیب او نیاید پس  
نمودی چرخ و بازی از شبست و نواست و نواست و نواست  
بید و در جبهه بید و در جبهه بید و در جبهه بید  
که شکار و شکار و شکار و شکار و شکار و شکار  
در جبهه بید و در جبهه بید و در جبهه بید  
از شکار و شکار و شکار و شکار و شکار و شکار  
اطلاعی تا پس از آن اختصاص باشد  
انتقام من تمام کرده شد و السلام و الله اعلم

استشهاد کرده است  
بهارستان که در میان کوه و تپه و در میان کوه و تپه  
غنبدان و تپه و تپه و تپه و تپه و تپه و تپه  
و کاشی و کاشی و کاشی و کاشی و کاشی و کاشی  
کاشی و کاشی و کاشی و کاشی و کاشی و کاشی  
چشما و چشما و چشما و چشما و چشما و چشما

۱۲۰



[illegible]

[illegible]

خامدا محمد را سازد و پیش از آنکه بخیزد از زمین کنایه است و بساحت  
میدارگاه این فخر و شهادت نظر توین اشارت با کشتن عقدا  
یا قریه با بیل و قافای ال بل و کل تعریف است که در هر دو  
شتر نیست و غیرت نیست نوع کمالی از این مثال است و بیرون  
فصل دیگر که در سخن خالق است و می بین است که در شیخ این عمل  
که شناخت کند از برای او و است و در این است که در پیش و  
پوست و به اتفاق است و اصل و اصحاب نقل و نوبت این  
شاید است و بتاریخ بزرگ است و شش و در این است که در  
و انشوری نامی است از این بحث و می بیند و در این است که در  
چهار که در کاخانه از پیش هر کس تراجم است و است و در  
میدار و دانش بر این است و یقین علیا بر این است و در کا  
کنون و دانش و پیش و نگاه و نامی از جان سر آمد و شش  
او شادان و در کل و در کاخانه و در این است و اصحاب  
هر چه است و در انشوری است و در این است و در این است  
جای خود و در این است و در این است و در این است  
پایه که در کاخانه و در این است و در این است و در این است  
که این است و در این است و در این است و در این است





[illegible]

[illegible]

64

[illegible]

احدیت جل جلاله پیشا بهریت که شیخ و عقل و جلال ابرام  
 با جزو ملکات و معاد که علوم و نام آید از هر حق اولانی کتابت  
 بر نور و زین افتاب شد برآمد که درین تحقیق فحاش گونا  
 عبادی زدی اندر از زبان و زبان برین تشنه لبان و تشنه زبان بجا  
 و پند و تحقیق و ستر زبان و میرا به زندان جان که بر کشته اندیشه  
 و کس و جلال احدیت در جانهای که با او پیشتر زیست بود و در  
 و در جلال نفوس که قدرت و شکر حضرت انبیا و صل علی نبیا و علیهم  
 و السلام و مداده اولاد است و استیلا است بیانیان و کلامی و کلامی

[illegible]

بزرگوار شد به جایست در حق خود بود و بخشاید  
در اوقات در ابط مغری خیال اقتضا میکرد و هرگز  
یکبار از صادره در او روحی شوم بر سرش نشاند عظیم  
معارف قوی با سلاطین و ممالک است این ممالک  
در مساحین جداول است سلاطین و ممالک است قهر کوه افغانی است  
بود و در وقت مریدان و ادعای عظمی و در وقت مریدان  
پیشین باین خود را می فرمود و باین برادرانی است که او را  
برادر خود و پدر بوده است تقوی و طاهر و پاک و شریف  
توفیق داشت که به سحر اولیای حق قاهر و زنده و زنده  
اما اقتضا می آید که در دست طریقه و کشف و کرامت  
فرمان بر این خبر است و از بهای و باین است و افغانی  
که او پیشین و طاهر و پاک و شریف و کرامت و کرامت  
شماره و در وقت افغانی و در وقت افغانی و در وقت افغانی  
قادر و طاهر و پاک و شریف و کرامت و کرامت  
غیاث و در وقت افغانی و در وقت افغانی و در وقت افغانی  
در وقت افغانی و در وقت افغانی و در وقت افغانی  
در وقت افغانی و در وقت افغانی و در وقت افغانی

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





[illegible]

[illegible]





شیرین و دیگر شاکت امدی است و گفتار کسان که در این امر  
کیفی در شاکت امدی است و نیز شاکت امدی در فضا است و  
فرشته در خطه فضا است و حکم شاکت امدی در فضا است و  
نفس و نظر ابرو و سینه و فاکند و سینه و سینه و سینه و سینه  
خوانند و خوانند و خوانند و خوانند و خوانند و خوانند و خوانند  
بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
مهر و شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
انداختن شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
در سالنامه ای شرح ساخته و رسا و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
غرض سابق است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
بهمان عین شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
و قلم از شمار امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
اشرف قدس سید از ان بزرگواران است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
و تقوی و اتباع شریعت است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
نشد و این شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
از دست قلم و حکم امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است  
در این شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است و بعضی شاکت امدی است



و بهر کس که بخواهد از این موهبت استفاده کند  
 در هر یک از این روزها که در این موهبت است  
 را خلاص از هر فریب و از هر گناه و از هر  
 می بخشد و این شعله برساند به این  
 که هیچ آن در دست است که از این  
 بجز اقامت و از هر فریب و از هر  
 به این موهبت و از هر فریب و از هر  
 و بهر کس که بخواهد از این موهبت استفاده کند  
 در هر یک از این روزها که در این موهبت است  
 را خلاص از هر فریب و از هر گناه و از هر  
 می بخشد و این شعله برساند به این  
 که هیچ آن در دست است که از این  
 بجز اقامت و از هر فریب و از هر  
 به این موهبت و از هر فریب و از هر

تاج شاهی بیکر کاسه جاشاد کلا رایت اقبال نیه منزل نیه  
مدرج بلیان افکار سر کسب و دست نشانه شست و زوی نه  
بر این شایسته سراسی این برادر داد و شکوایه کجا او درین کار  
رفت خلصان پایه اخلاص فو فیض کرامت به اخلاص اخلاص  
و از دور خیر اکر دوران حکام هر چه خوشش کشید و بد این تن  
مختل العاقبت سید اند چون بیان آید که در عین حال  
هر وقت یافته کرم افغانند نه سدا و غایت که در عدم طرد  
هر چه تویش شایسته و بر این در نورانی کاف و کور  
بر این مکتب نیست و در انوار است سده نه کلامت  
دندار انکش امر پوسته تا کمر زودیم همین سیر کلامت  
ان کلام اصل سر زشت داده نخواهد چون نور از زمین است  
اصل خلافت است خدایا ایستاد از سر نه و در ملک  
این تنه تبار بعینه فغان اخلاص فو فیض کرامت  
و بقیان بعضی کمانان حقیقت کیش هم ازین رویه  
ان مختل از این کلام کل غیر او خجالت داند از عیبت  
اگر چنین زبان او به نظر مرزا افغانست اما کلام عدم حقن او  
از دور و بکتر از چهل روز نخواهد شد و چون این محاسبه

[illegible]

شیراز روز عالم روز دود و سیرای ناله بعد یونقی با یو متوجه نمودن  
شیراز کجای خاتم الحام بود و چنان میرسد بر عین حال چون آورد  
نارینه ملک گشت بی از طبع عین بنده بود و یاد یار شیراز آید  
مواست عظمی بجای آورده مرستی برای سلطان

اعتقاد خلافت و فرمان بدوای با تمام سلطنت  
و کشور کشای نصرت ما تم شجاعت و بیخیا ریای که بر حقیقت و پیا  
بیست عمل از روی شایسته هر رخ معقول و هر که چنین بی  
آتش برست جلال کعبه بر سر حد است و از آن زمین بر سر طغیان  
مجمع الماورانه او و هر دو اخوانی مقدمه بجیش کارک میان نشاء و تقدیر  
که هم بخشی و کاظمی و حسن حدیث است و حضور میر و تمام الحام  
و در بنیاد اسکندریه و زانای هر حدیث حق است و از هر طرف  
خلف الصلح و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه  
مورد و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه  
نشان یار و دایره و دایره و دایره و دایره و دایره و دایره  
ایف و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه  
بتطه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه  
ایا و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه و اقامه

بونی

[illegible]



مدیقل و شیر آسمان بود خلقه دایر کشته سازان بر دفر بنجین خست  
 مدین حسن این ز قوس قدس صاحب داشت و کج بر بر خود عودت  
 باخته بود پیش از پند شدن در آن احوال ماضی باخته بار جوق  
 دیور کمال و تعجبی دارا کرد غایبی بر سر ترسم و کور کما  
 ناگهان از زمین چیدان و خاکدان ظاهر گشت اقامت است بپای  
 مصطفی و در شلمت و سکوت در عودت از زیارت ختای خود  
 و بجلای نقاب هم خنجر و خنجر کج بر از زمین و احوال بر  
 و جاده اندن ز غیش محفل و کمال استغفار و شرم و خاطر  
 به باخته طمغیا را آورد و کرد و کرد و کرد و کرد و کرد و کرد  
 است در کار و خودین شاری جان بر تپید لکین چشم  
 داشت لب بر در خدایات بلند و در در آینه که در عودت  
 از حد و شایین صیبت افتاد نامی و غریب غریب غریب  
 پراهن جلی طراقت گشت افسوس زهد افسوس باوه از خفا  
 و در آلود است نبات از شکرستان طاهر و باه و باه  
 از تیریز و شیر نیست و افلا و شبیستی و شبیستی و شبیستی  
 و عاقبت این سواد و در سواد و سواد و سواد و سواد و سواد  
 از پی و در دم بکانه باشد که است خود متوجه شده نقشش اورا

صورت بین میدیدم من عطف من هر که که با او بود و سیخ و سیم  
تا از باب هر انفعات و معانیست که در هر کس که با او بود  
و عقیده است و فتنه او را از هر کس که با او بود  
تیر غارتشان را با یکدیگر شده است و با او بود  
و هر که که با او بود که با او بود  
زود ناچار که با او بود این بود که با او بود  
این بود که با او بود و با او بود  
که همیشه خیال آن از او بود و با او بود  
این بود که با او بود و با او بود  
شدن پیش از آن که با او بود و با او بود  
خواهد بود اما با او بود و با او بود  
از بعد از آن که با او بود و با او بود  
با او بود و با او بود و با او بود  
عذر و عیب و با او بود و با او بود  
بود و با او بود و با او بود  
خوشتر و با او بود و با او بود  
بیر از رضا بقصای و با او بود و با او بود



[illegible]

افروزان خود را شست و برون بر گاه آن اتحاد الحوائط توجیه نمود  
شود و این که کجا کجا دریا بیاورد و شست و شست این فرزندان  
او و نیز در میان حساب این نیست اگر بخت خدمت خود شرف  
کند که شرف نظر در ماندن بی تکلف و شرف خدمت خود او و در میان  
همیش پیش باشد که شرف اجازت است بابت خدمت است و در  
باشد که درین روز و در شرف است بابت خدمت است و در  
حق شرف است فرزندان بخت شرف است که در خدمت خود شرف  
بسیار شکا و شرف است که در خدمت خود شرف است که در خدمت  
خاطر جمع همان در آنجا است که شرف است و در خدمت خود شرف  
بشکل همان است که شرف است و در خدمت خود شرف است  
بعد بر اندر درین هنگام بخت است که آغاز خدمت است که در خدمت خود شرف  
بسیار است که در آن ایل و در آنجا و در خدمت خود شرف است  
تازه و مصدر انواع طلا و نقره است که در خدمت خود شرف است  
است و بعد از آنکه سید و بزرگوار است که در خدمت خود شرف است  
کوی خود و در خدمت خود است که در آنجا و در خدمت خود شرف است  
اقتاب عالم و بزرگوار است که در آنجا و در خدمت خود شرف است  
ملکها و در خدمت خود است که در آنجا و در خدمت خود شرف است

کلی

بخش دهی را به نیت حق شنید و بعد از آن معنای و حالت است  
نموده ای عالم است که در میان ابرو و روی و سر سید که یکجا  
از کرد و است و بعد از آن معنای آن را که گوش و گوش  
در یک است و این است که اینان را در هر دو است و این  
با فتنه آبی عوی اهراس است و این است که در هر دو است  
با جرم مادی و مادی و این است که در هر دو است  
توانی امید که از این زبان به نورین و نورین و نورین  
در این زبان حال سکون و این است که در هر دو است  
توانی از این نورین از تابش آفتاب که در هر دو است  
افسوده و این است که در هر دو است که در هر دو است  
بسیار وقت این تان و نورین و نورین و نورین  
دم از تان و نورین و نورین و نورین  
حلای از تان و نورین و نورین و نورین  
نست و نورین و نورین و نورین و نورین  
مقدسان عالم بالا را با غیرا که در هر دو است  
یاد که نورین و نورین و نورین و نورین  
این جواب که در هر دو است که در هر دو است

بشراف اصغر است نه تنها سبب حمد و مدح بلکه هر مومنی در هر  
نعم الهی و در عین فصل خوش و در سنگی را سوزد و جگر و دماغ عالیه  
از راجع معدلت خروانه معجزه شام جهانیان از توابع دولت  
بازو شام از معجزه است باب غرر الله و باب معجزه در هر  
بکشت از ذرات مردم و خود و غیره کجاست شرف است و شرف میسر است  
در سینه ادا میسر است ساعت غیر نفی و بیامع مجامع جهانیان  
مرکز کند ایچیر سلطنته شایع عبد الله خان بزرگ و آسمان با بسبب  
و اقسام تعالین و ایا و اضافی تحفه بجز اشرف که را بعد اال  
از ابع کبوتران دیوان یکا و قتر او کبریا و سلطان شکسته  
بیرزای اقیمه است باب یکا و کجاست راحته است که شایه  
کبوتران بر پرواز آون جولان عشق از باعث سرت خاطر  
اشرف شد خصوص همگی تر باز که سرخی عشق از آن با و نه هر  
سرد قتر بر پرواز هر است عشق از نسبت سببش از اول که از  
و در بعضی با سفید و چون دور از این کبوتر چندین رخ غلام  
و در این از آنکه در طبیعت روح جوهر در بعضی در کار پرواز  
در قلم کجاست و در او پیدا اند که پروازش تا کجاست جانپوشی  
در هر کجاست کبوتر و افلاطونی است در او را که نه بسیار شرف

[illegible]



مهور و محروم است لایمیش در حال تحصیل این مرغ زیست ماضی  
 نظر خوشید اثر بصیرت این کسب اندیشه پیشین منتهی مفید  
 در درو ز یک کبوتران مگو از نظر اشرف نیست خاطر حرکت  
 اطر از است بر اینها منبسط در خفاک شمره معان اعتدال  
 المائل العظم و غیره اینها را اول در نظر بسیار میفرمود  
 غل از این حالت قیصر بخاطر بر زانوکان زوگت سار و کور و سید  
 زبان میزبان انداز کشیدارش بیجاها را غرض از اینجا بافته  
 کلبه جاب بر سگ کشیده در جمع بر دین بود این را شکر  
 سلاها و بیجاها میسر مانند هر که منظر شد بلیان  
 چهره اند زدن بر جان خود صوابین بر بار علی حدیث  
 بر نگاه بدل سلام کرد لیا در باب عشق بله خرج اوله  
 آرمید خاطر این اسرار دل را در حرکت باز اوله میرسان  
 و ابلغ مرغایه در چینه قاید حرکت اعتبار یقضا خود عقید  
 و صفار لیت بسید دعای بر سر بر اوال کتوب  
 بساعت تا نید است تمام کتب کینه یا جاب بخیر خدا اسر  
 و قدر شناسی بسید غافل شوق حوا و کلا غوغ  
 اینها از و منبر انداخته زندگانی تازه کامرا پی اندازد

رحمت و محبت غفرانی هر از غفران کن و در غفران کن  
خود را از آن غفران بخش و از بخشش از حق غفران و  
عین مستعدان از حق بخشش عالم جایست نیست که برتر  
حسن طبع و در این جهان عالم است و سنگ تیره  
در غفران عیله مانده اند که تها را در جماعت است  
که بتوفیق الهی در طاعت غفران با طهارت و طایفه  
و ابرار از انواع نیر و منافات حیدر تدارک و توفیق گشته  
غفران و دیگر سلاسل غفران طایفه و تقاضای محبت  
راغ ملال دانه و برین بر صورت و جلالت برت و در  
یواسمه مشهور الکفاف و الاطراف المستخرجه الاوصاف  
بر سبزه سلام عتی النیام برساند و گوید که عیان  
آورد بسیار و در این کمال رسالت استستان و کمال  
شع و زینت و در خیال عباد در سر اشک است و با فزونی  
و انبساط و در طاعت و در مقامات پسندید که در  
اشعراج خاطر و در طایفه و ظاهر که در ظهور و العاکر طهر  
بشوق نام بر آورد و بعد لا الحمد که در عجا شمع انجمن  
در شوق سر زده گشت و خیره گشت از سار عاشقان و طغان

درگاهان و خدایان سپیدار و باب طیب است سر از او و طیب  
معبود حسین اجازت بود و طیب طیب طیب طیب  
نیز بیشتر نه در همان پیر که سوز جربان و طیب طیب طیب  
و دیگر نه در نامور و غیر طیب اگر چه در طیب طیب طیب  
شماره است در خلیفه کم پر است اگر چه طیب طیب است  
سر از او و طیب طیب است زبان طیب طیب طیب طیب  
که طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
نماد از آن طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
شوق طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
سید و طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
ان بچه طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
مرد و در طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
نماد از خوش طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
با طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
ال است تمام طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب  
توقع از طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب طیب

که با اینها اعتبار تمام تواند یافت و برادر باستان یک  
 است این که با هم دولت و کمال و غنای است شرف و نام  
 نه از غفایم در قهار او و از انانیت جعت ما است  
 دیدن ما را انانیت انغش نمکند و تباکت کینه تمام  
 است و عار می نمایند که اگر چه نیست حج میرفتیم و عار ما را  
 بگویند هر چه که بگویم بپروازد و از نوید و دیگر و بپوشیم  
 اعتقاد و مخالفت و جهان خود را است با یکدیگر و بیاب  
 کمال آن نام بقیم رساند که انانیت است سجاد و غیور  
 بگویند خوب با در حمت غلبه که و حصان جهان را از  
 چون ما در رسید غنای است و غنای است اگر در آن باب تا غر  
 نامه از انانیت اعتبار است و انانیت و انانیت و انانیت  
 که با در حمت و غنای است

حکمت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت  
 اساس و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت  
 و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت  
 و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت و انانیت

افاندرام سید اکابر که در حیاتش از ان بزرگواران بود  
توجهات ملایم و شیرین و تفکرات شایسته  
سینه و دست و پاهای او که در دنیا که نهضت داشت  
آسمان را سار و جلای هوا که بین پر از سیر  
و کلاشت وایت و پدید کشید که در غلط است محبت  
حضرت است نسبت با این نیازمند و کل که با  
شروع و جوهریت اگر در این گشتن است که گاه  
قدرت پروردگار است فنی نیست و خود را خشم  
بر آورده و بحر چین نیاز به جوهر و حق و ان  
سزین بگذرد و گفته که در زمان پادشاهان  
که از کلهای نگارنده میوه کوته و ملو و شوق  
شاهزادگان کار بر نهاده و خلاصه حکمت که در  
شعار از راه شولخ جبال و عود و بار و بر  
از انجا جوهر تواند که توجه اش به تقسیم یافت و  
که چنین نیز از انکه تراشید که در و خا و خاکدان  
در ان که می بیند از انکه پیش پیش می بیند  
در تنگنای گونه گرا و پناه در سراسر خنده و در

[illegible]



فلحیات از دست الغایا بر مرز قدم نایب از عالم سحاب  
در شداد به سحاب کلاک شیش از رخ تو بر غصه یار با نغمه در دفتر  
جست به چهارم با امر دلو امر معانی سه سه شسته سوخته ناله در  
و اذ صنت یار حارفت حوائی هر کجا عدو الزمانه لایزال  
تو که عالم کما ششایی بقدر کما و قد با نغمه یار با نغمه در دفتر  
اونا غریب است جریس ببلایل مکافات نصایح و کلمات در دفتر  
کلمات قلم تو کشف معانی علوم قوام و حواس معنوی و مادی  
امروز اندیشه شیراز بر جان یار از رخ فلک کبریا جلالت  
بهودان تو و تاسف نهمان تازه بود که دافه حکیم معنویت  
لایزال و شرف و شرف لایزال و شرف و شرف لایزال و شرف  
ما شریف است از و مظهر اعدا است لم یزل و مقام اقتصاد و ارباب  
ان مکانات در جمیع الامور نافع و سار است در نوا و نغمه  
اندکس فایده و ظاهر اشرف و متوجه انتظام احوال و خوار و در  
سوره کاتب و محکم سر اوقات و مایه بطلان علم و سوره و نغمه  
عقبه و شرف شرف کف و نوا و نغمه و شرف و شرف  
با و شرف و شرف و شرف و شرف و شرف و شرف  
و نغمه و شرف و شرف و شرف و شرف و شرف



در بخار که خاطر معشوق تملق  
که نفقه میسر نماند و خسته شوم ساعات آمده احوال دولت  
لازمه که انگیخته حکمت فایده شمول فایده دولت است  
در دفعه افواج تقدسات و طافا که کعبه بر سر سینه او موج زبار است  
حرمین الشرفین زلف نادیده شرفا که سینه این سال از اندام او  
در بار غنچه از میراد است با عورت تو باشد که شد از بند او  
مستحق نیست چندی حق تا را منظر داشته به بهجت  
چگونه موجود این مطلب باشد و شد از عاقبت رضا مندر در الفجر  
خوش که جمیع این امور در احوال را در خصوص طافا است و بسیار  
عبادت است چنین به استر ضار که در کرده عبادت طافا  
را شرف داشت است نه اندک از طلبکار توانست با چنین به ضار  
چه بخاطر یک نیکو در این باب است نه به هر چه به نظر حق  
تا به هر چه امر که با عورت چنین به در این دو یکبار به راه و کار  
جمیع این نیکو به هر چه ضار است که در این به هر چه به هر چه  
با راه عورت نرسد با داده این مطلب که با ملتش قبول  
نمودیم به الواقع که شوق این مکان تقدس نامر که بهجت شد به  
بایست به خست طلبید تا شفقت او در این به هر چه به هر چه

[illegible]

فرستادم بدینجه در جهان آرا از انضا فرماید بر کلام بنیادش خیر  
غزایار بخشند که آئینه بصورت مستحق غایب است چه کار  
یشتر آمد و چه در دل گذشت که هر طریقی خیر باشد که است باز این  
که خدمت مستحق خاندان انبیا علی المنصور و جوی بخاطر اشراف کند  
است که مادر چنین اهدا کرد بخاطر از ارسلان هم زمانی  
میشتر که از ارسلان و هیچ غایت در می خواهم که آوارده  
غربت که از ارسلان غایت عافیت ملک حصه  
میدانست بر گزینش اندیشه بخوای غنیده و مطعون خاص  
و عوام غمزه گفتیم هیچ غمزه است هیچ غمزه نشدن  
غیمت شایم غنیه غناید از ارسلان غیش مار و سرور  
و غمزه که از ارسلان غمزه که گشتن مار و سرور غمزه  
از غمزه و غمزه از و غمزه و غمزه و غمزه و غمزه و غمزه  
هموار بخاطر قدس بود که ایچ کار در ان پیشتر سلطان بود  
بخاطر غمزه است حکام و به اکون و غمزه غمزه  
است که متعاقب این غمزه و غمزه عافیت غمزه  
بهین شخص که در غمزه غمزه و غمزه و غمزه و غمزه  
بها محبت و غمزه غمزه که لاله اک ملاذمت غمزه

حضرت میرزا محمد تقی میرزا  
امیر اوسوید استان بوشهر  
بوشهر

اولاً بگویم که هر کس که در این دنیا  
 شایسته شرف و دریا باشد که شرفان کارگاه سلطنت و کار بردار  
 این جهان است از زن و ان اقبال است و اینان احاطه منشی  
 و در عالم بعد و سایر منصبه دران عالمان و دوله الان با من و در  
 علم و در در نظام امور و مصارف و زینت و تصبات و کثرت  
 از آن پذیرا باشد از اول بطریق اجماع که در جمیع کارها از عادت  
 و عبادات و احکام الهی و جویا باشند و نیازمند دل و ایمان و غیر  
 و غیره و منظم باشند و در این کارها دیگر اگر خلوت است  
 نباشد که طرز درویشان صحرا و کربلای معلی و عوالم عامه  
 نشستن و در کثرت و عفت و خلوت خود که طریق الهی باشد  
 و با جمله در ماند و توسط و میان و در بکار و در شریعت اعتدال از  
 دست نهد و بعینه کثرت گزیند و در وحدت بزرگ که در این  
 چون در خرد و الله بیدار و در این عالم و نیم شب در عادت کند  
 و در نگاهم که که خلق خدا نباشد و با کمال کتب و باب و صفات  
 خدا کتب اخلاقی که طلب در عبادت و خلاصه جمع علم است

12

Handwritten Persian text in a cursive script, likely from a historical document or manuscript. The text is written diagonally across the page.



[illegible]



[illegible]

اینکه نخست از این فرشته را بر اطمینان ظاهر فرستادند و بعد از آن  
که آمد و پیوسته با همسران خود در پیشگاه پادشاه  
نشیند و در پیشگاه پادشاه بماند و در پیشگاه پادشاه  
نشیند که از یکدیگر جدا نباشند و تقوایات هر کدام جدا جدا  
در ازان پیشگاه پادشاه بمانند و این طاعت اول است از طاعت  
انوار و بدو تان سرور است و بعد از آن اگر چه در میان پادشاه  
و پادشاه سرور است از دست پادشاه و در میان پادشاه  
شهر و آنکه مباداد در لباس نصیب کنان کنند و از نو جوانان  
جودار پس که بوسیدند و گاه گاه کنند و از جانب پادشاه  
که در لباس نصیب کنان بمانند و از دست پادشاه  
مرا که در لباس نصیب کنان بمانند و از دست پادشاه  
و از اطراف جوانان و از دست پادشاه  
لایق غرض و سرور و در از نو جوانان  
که در میان است و بعد از آن نصیب کنان  
خانه آنها قدیم است و بعد از آن نصیب کنان  
و خیمه را که از داخل کند که سر انجام  
خروج از زیادت از داخل است و بعد از آن

نسخه چنانچه در کتابت این کتابست و هر کس که در این کتابت  
مستعد است و منظر طلبت شود در دهه مختلفه از کتابت  
تولید میشود و با تصدیق این اشخاصست و گفته و عوارضی  
پیر انداز و غرضی اند از این کتابت بسیار بسیار و در دهه  
شغوفت باشد و بجهت درزش بسیار که در وقت و ظاهر  
تا اگر کتابت عقل است که کامربان بداند و کیا علم است  
و جای گرفته است که از این کتابت و در دهه از کتابت طلوع  
نیز در بعضی عالم هیچ نیست که در مغرب افکار طلوع از این کتابت میزود  
با مشند و در وقت تحویل نیز از علم از هر چه در هر چه بدو بمان  
و در بعضی تو سبب اند تا چه در نام کامرانتی شکر از سجا دارند  
و یک یکی بیک که اند که عراضی اند و نظر از شرف مراد و در  
و اگر کووال نباشد صورت قافرن و دیگر کتابت شده در تو سبب  
و در دستایان و در اینده نخواهد شد که کار کووال و در دستایان  
بلکه عیبت است از علم و دستایان تمام فایده بهر قصد خشنود  
که کووال بر شهر و قصه و اتفاق و قلم خاها و عمارت و این  
در دستایان بر محله و خانه و خانه و در قید کتابت در اول که  
نسخه اند و خانه و خانه و خانه و در قید کتابت در اول که







[illegible]

سوی که در خط است  
است سینه مناجات نصایب  
مهرجانی که بر طردان و زینداران  
استلال اجتناب از کشتن و کشتن  
ان با اوج و کشته زار است  
فکرش که در عارفان و طردان  
تنبه عارفان و تنبیه مظلومان  
علو و سبب بیانی و داور و قیاس  
موانع حاصل از طردان و کشتن  
سکون و زینداران و انصاف و حق  
مصلحت و مصلحت و کشتن و کشتن  
مصلحت و مصلحت و کشتن و کشتن



دیز حکم جهان طالع شرف و رو یافت اگر کسی عیال و عیال  
و استقامت این حق الملک علی کند و محال جاگیر انداخته  
داد و پیکر کا معارضه است نماید تا دیگر از مخلصان عیال  
علیه بخار او مضرت نماند که این نظام سلسله جهان را در استقامت  
و رابطه عالم آرا را باین امر مذکور سلسله و منجم است و عیال  
در جمیع ضوابط و قوانین بادشاه امر و احکام جهان را در هر  
هر جانب آن سلطنت را که قصر خلافت است ثابت قدم بود  
در اشاعت و اعلان آن آداب است که استقامت لازم و اندو  
خاطر الهام خواهد بود متوجه احوال سعادت و قیام و کشته همیشه  
امید در الطاف کائنات و عیال است و روز افزون می شود  
و اگر کسی در این مقام است و در این مقام است و در این مقام  
متوجه اند و بسیار است و این است که غفلت بوده و دست و پا  
ارباب است که گشاده اند و نیز قد عیال است و بداند است  
در لوازم اطاعت انجام ندارند باید که آن را در سلطنت و نظام  
با نضوب رفته و انجام آن را که شوهر نماید که موجب است و این  
که عیال است و عیال است که عیال است و عیال است و عیال است  
که با جمیع جاگیر داران و عیال است که عیال است و عیال است



[illegible]

Handwritten Persian script, likely a historical document or manuscript page, featuring dense cursive calligraphy.

Handwritten signature: *W. H. ...*

10

[illegible]

[illegible]

مرتبه حضرت عالیست که بخت بخت اتفاق افتاده بجهت  
تقدیر کمال و شایسته کرامت کثیر و توفیق افاضه و اید و بخت  
صوبه قندهار بود که این خیر را داده که در این ایام می باشد  
مراد جهان ما عزیز است و در این وقت خوبتر از این برین عالم  
ظهور آید که این استخلاص کنند و در این وقت نیز کنونی حاضر  
بود و این حضرت شکر است که بخت بخت این زمان در این  
بر دست ما بطریق خیر سابق و منظور داشته ایم که کاروان  
مع حرا و این ایضا در این راه که در این معبر است که این ایضا  
و این ایضا است که در این راه که در این معبر است که این ایضا  
ایکاد و این ایضا در این راه که در این معبر است که این ایضا  
صاحب این ایضا در این راه که در این معبر است که این ایضا  
در این ایضا در این راه که در این معبر است که این ایضا  
در این ایضا در این راه که در این معبر است که این ایضا  
بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر  
نقوت و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر  
نوا و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر  
مسلم و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر

در موبط خاطر اشتیاق من بود بعد از آن خواستم که بعد از شک  
 به در گذار بر این سبب من از عطیات مجدد و لایحه بجا آوردم  
 با وجود حیات متفق و منصفه و در شش ماه و عظیمه تر اگر در طبعان  
 هونامه در ملا و موعود که مقصد از آنجا محال بود و چون متفق و نظر  
 باز گشت توجه بان حدود فرمودیم حکم عا شد بود که چند هزار خوار و اگر  
 چنانکه پیشتر پیشانی خانی نام می شد و در وقت وقوع و کسب و لایحه بجا آوردم  
 بنام خود در اندک وقت تا آنجا که شمره و کوهستان تبت بر زمین  
 ملوک کوش تبت بجای آمد و در اینجا ختم مجدد و عمر طاعت  
 شربت کابل و خیم خود فضا را ختم طمع قدری که در حین  
 حفظ الهی و توفیق و تقوی و از ختم و چنان که در طر و ایش  
 بود که بعد از این دوران شجاعت و شجاعت و شجاعت و شجاعت و شجاعت  
 بدیشان مستحق شایسته و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته  
 انار ایلیان حکومت و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته  
 با شرف و علم و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته  
 رسیدند و هم مصلح نظر بنده و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته  
 از باب اول امر و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته  
 بدار الملک و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته و شایسته



[illegible]

اعلامی در امری را بعد از استیجاب باید که گفتن حقیقت امری را  
میر می نامد و شایسته بود که بکار برساند که سفارش این ازین خطی  
نمود اشرف از عموم که خلاصی و اخلاقی از راه کتبشان حاصل است  
قدمان شایسته اخلاقی است در همه امور ابداً و اعمام و اهل  
و اعانت نماید و در این مقام که نسبت از این باب حقیقت  
باینکه در کار خود درست نمود که با تمام درستی و ادوات  
و رعایت دیگران ساخته و پودخته اند و بیچاره مطالب و مقاصد  
انف محلی و اخلاقی باینکه که بچگونه اندیشه نمودن و در میان  
ش از راه حق است و از مقدمات که هست و از وزن خود  
دانسته و در امر اطلاع اتمام نموده شرح خاطر و در پیش  
و برپوشندگان خیر و شیدیه که سلطانین عاقله و اگر بجز  
عالم و عالمان پیش نهامت و لایست این است از حکام  
و بار و دوات افکار و اخلاقی اطلاع مطلوب و مقصود است  
و قنند که بقضا و برین و در این و غیره منفرد داشته و در  
میان اهل و حقیقت و سوغ و این و این و این و این و این و این  
نمودند و بر این و این و این و این و این و این و این و این  
و بر این و این و این و این و این و این و این و این و این

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

الحاکم المملک الشیخ ابو الیسی فیضی را که در غلطی نیست  
ما ترکت یافته دیگر از بارگاه دلا تجرید و او عزیزیم و وفای او  
خبر در حد اوم شایع مراتب اخلاص و در اربع سال  
در حضرت ظهور نام الفیضی آن نقاد و ادب افکار و اقدار  
فرستادیم که عنون غشایات با اکابر خاطرش که کافران  
خیر خلق به است و به یحیی لیل توجهات به نام و حکام غنائات  
نامشاه و فوق نماید دستخفا که در کوفه خاطر اثرش در رخ است  
تمام رسا و در حقیقت نمیدانم اخلاص و وفای او را  
و اخلاص او را نیز نمیدانم و به او دانش سپید و محقق علی  
سوزن دران باینکه آن مخلص غرانه نشی سخنان حقانی بیان  
ما را چه از آنچه از فلان غنائت شایسته و به دیگر از آن کلمات  
قدح است که با تو با غنائت با شایسته را که در خلوت فرمودیم  
بسم اعتقادش نوع مراتب الطاف خسران و در اربع سال  
و به عقیده و اندیش خود در آن غنائت انجام مخلصانی و کار  
آگاهانه نماید که حکام و کلمه به خصوص حکومت به یاد داشت  
انتباه منظور الفاظ و قافیه و محمول الطاف به بیان آن که در حد  
ترتیب یافته و به دیگر است لوازم نیکو خدمت و توانیم





[illegible]





[illegible]

جایان فصلی میان جلال خان و قطب الملک رخ ایراد باید کرد که قریب  
به هشتاد سال پیش در دوران امانت در خلافت افسر لایم بود  
خاندان حیدر از آن شهر در مغرب تباریده است به چونند باطن  
مرد با عفت و قناعت و رنگش در سایه پدیدار شوند و معدوم  
غذایات که در آن واسطه خود را در بزم کتایب بیان که بعد از  
ما حصص حصص خود خایه بود و بغفلت که آیند و توفیق آباد  
است و در اندل رفعت تبار ملک آنها بانی تربیت کرده و باطل  
خود گرفت باید اغناسات آن احاطه منتظم احاطه است

خود دانند  
لغت که از لغات است به معنی اقبال که سهراب و لیس  
برادر بزرگ سلطنت است و هم در آن عوالم سلطنت انتظام خلافت  
باربعین پرست در نظر و بین عوالم جهان به دولت و اعتبار  
حدیقه انصاف است و حکلی مقصد است فلک عتصام به یکبار و تربیت  
سعدان مستقر بسیار متفرقان به جوار علوم حکمت و دولت  
شکوهان برزنی در جوارش برزاق مطالب عالم به یکبار  
مهرت و معرانه و چون گفت امر بر این مهرت و تربیت  
که چنانچه بخواهد آن طبع القدر به یکبار با این رفعت که در کار دارد

Handwritten Persian script, likely a manuscript or letter, written in a cursive style. The text is dense and covers most of the page.

1943-1944

الحسين

123



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

والذي كنا في ضلال عنه

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or letter. The text is written in a cursive style and is oriented vertically. The number 278 is visible in the upper left corner of the text area.

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note at the bottom of the page.

